

تاملی در فلسفه روشمندی فهم روایات طب

دکتر نیکزاد عیسی زاده^۱، رضا سلیمی^۲، دکتر محمد مهدی اصفهانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: لازمه نیل به فهم صحیح معانی و مقاصد روایات، علاوه بر ضوابط کلی فهم کلام بشری، بکارگیری قوانین و ضوابط مشخصی است که از آن به «روش مندی فهم روایات» تعبیر می‌شود. اصل روش مندی فهم روایات در تقابل با نظریه کسانی است که معتقدند، نباید فهم متن را فرایند دستیابی به مراد متن از طریق فهم روشمند دانست (هرمنوتیک فلسفی)، بلکه مفسر همواره با فهمی پیشین با متن مواجه شده و بدنبال آشکار ساختن پیش فهمی است که درباه متن داشته است.

روش بررسی: در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف به شناسایی، بررسی و تحلیل منابع مختلف پرداخته شد.

یافته‌ها: ارجاع مخاطبین به افراد خاص از سوی اهل بیت علیهم السلام، جهت نیل به معنا و مراد صحیح و قانونمند روایات، بهترین گواه بر ضرورت روشمندی فهم روایات و از جمله روایات طبی است.

نتیجه گیری: دلایل اثبات اصل فوق به عنوان مبنای ورود به فهم روایات را باید از یک سو در ویژگیهای درونی و بیرونی نفس روایات اعم از «وجود مراتب مختلف معنایی»، «تشابه»، «نسخ»، «اطلاق» و دیگر خصوصیات مانند آن جستجو کرد، و از سوی دیگر به دلایل نقلی یعنی روایاتی برگرداند که به صراحت روش مندی فهم در این دسته از متون دینی را مورد تأیید قرار می‌دهد. روایات، بیانگر منطق فهم است که شامل روایاتی چون «عرضه متشابهات بر محکومات»، «عرضه روایات بر آیات و سنت قطعی» می‌شود. علاوه بر این، روایات دال بر بهره‌گیری اهل بیت از اصول و قواعد فهم عرفی از جمله دلایل مذکور است.

* نویسنده مسئول:

دکتر نیکزاد عیسی زاده؛

مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب

دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email:

N/iesazadeh@tums.ac.ir

واژه‌های کلیدی: روایات طبی، فهم، روش مندی

- دریافت مقاله: بهمن ۱۳۹۴ پذیرش مقاله: اردیبهشت ۱۳۹۵

مقدمه

ضوابطی خاص استوار است که از آنها به عنوان «قوانین فهم» تعبیر می‌شود. نسبت این قواعد با فهم همانند نسبت علم منطق با اندیشه و استدلال و نسبت اصول فقه با علم فقه است، و همانطور که رعایت قواعد علم منطق، از خطای در استدلال جلوگیری می‌کند و اصول فقه، فقیه را در استنباطات فقهی کمک می‌کند و از اشتباهات وی می‌کاهد، رعایت این قوانین

عمل فهم که فرآیندی ذهنی برای دست‌یابی به مقصود واقعی کلام است، بر مراحل منطقی (روبارویی با متن، تصور مفاهیم، بکارگیری قواعد زبانی) و

^۱ استادیار مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ ایران دوره ی اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

^۳ استاد مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نیز فراگیران را در فهم متن روایات یاری کرده و از خطاها باز می‌دارد. لذا در تعریف قانون مندی فهم روایات می‌توان گفت: «لازمه نیل به فهم صحیح معانی و مقاصد روایات، بکارگیری قوانین و ضوابطی مشخص علاوه بر ضوابط کلی فهم کلام بشری است که از آن به قانون مندی فهم روایات تعبیر می‌شود»^(۱).

در این بین، روایات به عنوان متنی با جایگاه خاص نسبت به آیات کریمه وحی و برخوردار از ویژگی‌هایی چون دارا بودن وجوه مختلف معنایی^۱ (۲)، محکم و متشابه بودن^(۳)، ناسخ و منسوخ بودن، عمومیت و خصوصیت معنا^(۴)، شرط دستیابی به معنا و مراد خویش را بر فهمی نظام مند و منطقی استوار می‌سازد؛ چنان که مؤلف المیزان نیز بدان تصریح نموده است^(۵). از سوی دیگر، وجود احتمالات و مراتب معنایی مختلف برای روایات اهل بیت علیهم السلام و ابتنای دست یابی به آنها بر شرایط و اصولی خاص و عدم حصول همه آن

معانی برای تمام افراد از دیگر شواهد نیازمندی فهم روایات به قواعد است که همواره مورد توجه صاحبان اندیشه از جمله "علامه مجلسی"^(۲) و "علامه طباطبائی"^(۵) در این عرصه بوده است.

نظریه قانون مندی فهم متن، که علاوه بر اعتقاد به نظام مند بودن عمل فهم، وجود یک معنای نهایی در ورای الفاظ متن را از لوازم جدایی ناپذیر فهم روشمند می‌داند، در تقابل با نظریه کسانی است که معتقدند، فهم متن را نباید فرایند دستیابی به مراد متن از طریق فهم روشمند دانست (هرمنوتیک فلسفی)، بلکه مفسر همواره با فهمی پیشین با متن مواجه می‌شود. این دیدگاه که به نظریه هرمنوتیک مفسر محور شهرت یافته است، از یک سو، روشمندی فهم متن برای دستیابی به معنای نهایی متن را انکار می‌کند، و از سوی دیگر اصالت را به مفسر بخشیده و معنا و مراد هرمتنی را مبتنی بر فهم مفسر می‌داند، و در واقع این مفسر است که به متن معنا می‌بخشد. دیدگاه مذکور با عنوان «هرمنوتیک فلسفی» معروف است^(۱).

^۱ «وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصُرِفَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرَجُ»
^۲ «إِنَّ فِي أَخْبَارِنَا مُمْتَنَبِهًا كَمُمْتَنَبِهَةِ الْقُرْآنِ وَ مُحْكَمًا كَمُحْكَمِ الْقُرْآنِ»
^۳ «فَإِنَّ أَمْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ مَثَلِ الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَ مُنْسَخٌ وَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ قَدْ كَانَ يَكُونُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَلَامٌ عَامٌّ وَ كَلَامٌ خَاصٌّ وَ مَثَلِ الْقُرْآنِ»

^۴ کلینی در توضیح این روایت می‌نویسد: «و اما ما ذکره ع فی خبر العیون أن فی أخبارنا متشابهها كمتشابه القرآن و محكما كمحکم القرآن، فقد وردت فی هذا المعنی عنهم ع روایات مستفیضة، و الاعتبار یساعده فإن الأخبار لا تشمل إلا علی ما اشتمل علیه القرآن الشریف، و لا تبین إلا ما تعرض له و قد عرفت فیما مر: أن التشابه من أوصاف المعنی الذی یدل علیه اللفظ و هو کونه بحیث یقبل الانطباق علی المقصود و علی غیره لا من أوصاف اللفظ من حیث دلالتة علی المعنی نظیر العرابة و الإجمال، و لا من أوصاف أعم من اللفظ و المعنی. و عبارة أخرى: إنما عرض التشابه لما عرض علیه من الآیات لكون بیاناتها جاریه مجری الأمثال بالنسبة إلى المعارف الحقة الإلهیة، و هذا المعنی بعینه موجود فی الأخبار ففیها متشابه و محکم كما فی القرآن»

^۵ «أن فی الاخبار غررا تشير الی حقائق لا ینالها إلا الافهام العالیة و العقول الخالصه، فأوجب ذلك اختلاط المعارف الفاضله عنهم (علیهم السلام) و فساد البیانات العالیة بنزولها منزله لیست هی منزلتها، و فساد البیانات الساذجه أيضا لفقدتها تمیزها و تعینها، فما کل سائل من الرواة فی سطح واحد من الفهم، و ما کل حقیقه فی سطح واحد من الدقه و اللطافه، و الكتاب و السنه مشحونان بان معارف الدین ذوات مراتب مختلفه، و ان لكل مرتبه أهلا، و ان فی الغاء المراتب هلاک المعارف الحقیقیه»

^۶ چنان که علامه طباطبائی در روایات جری به وجود مراتب تطبیق بر مصادیق مختلف توجه کرده است (رک: المیزان، ج ۳، ص ۷۲) و یا در ذیل بعضی از روایات می‌فرماید: و یمنکن ان توجه هذه الاخبار بوجه آخر ادق یحتاج تعقله الی صفاء فی الذهن و قدم صدق فی المعارف الحقیقیه (المیزان، ج ۸، ص ۱۰۱)

بحث

دلایل قانون مندی فهم روایات

ویژگی‌های متنی

مهم‌ترین دلیل بر قانون مندی فهم متن، صفات و ویژگی‌های لفظی و محتوایی است که در آن متن گردآمده و نیل به مقصود، عبارات متن را دچار آسیب و اختلاف می‌سازد و هر چه بر پیچیدگی متن مورد فهم افزوده می‌شود، به همان اندازه به کارگیری قوانین برای تحلیل متن و نیل به مقصود واقعی آن نیز ضرورتی دو چندان می‌یابد. تشابه، ابهام، ایجاز، اشتراک و دیگر صفاتی مانند آن که موجب مخفی شدن معنا و مراد واقعی کلام می‌شود، ضرورت تعریف و به کارگیری ضوابطی خاص برای نیل به مقصود واقعی متن را آشکار می‌سازد، زیرا تحت تأثیر بودن متن از حالات و شرایط گوناگون بدون وجود ضابطه و قانونی مشخص، امکان برداشت صحیح و واحد را از متن از بین می‌برد. در این میان، روایات اهل بیت به سبب ویژگی‌های لفظی^۱ همانند اجمال، اشتراک لفظی، تصحیف^۲، غرابت^۳، تقطیع^۴، و به دلیل دارا بودن وجوه مختلف معنایی و ارائه معارف متعالی و حقایق ماورایی در قالب ادبیات محدود بشری که از آن به ویژگی‌های محتوایی یاد می‌شود^۵،

فهم صحیح مفاد استعمالی^۶ و مراد جدی^۷ آنها دچار آسیب جدی می‌شود (۶).

این ویژگی‌ها و عوامل در فرمایشات معصومین از جمله حضرت علی علیه السلام نیز به آنها اشاره شده است (۴)؛ تا جایی که برخی از روایات دست یابی به جایگاه رفیع فقاقت را بر فهم و درک سخنان مبهم و غیرآشکار معصومین علیهم السلام مبتنی ساخته است (۲).

در کنار توجه به مؤلفه‌های فوق، باید از عوامل و ویژگی‌های دیگری چون تعارض، اطلاق و تقیید، عموم و خصوص که در اینجا با عنوان ویژگی‌ها و عوامل بیرونی (بیرون از متن) نامبرده است، یاد کرد که در خارج از متن یک روایت، میان دو یا چند روایت به وجود آمده و بر دریافت مراد جدی آن روایات اثر می‌گذارد و در صورت عدم بکارگیری قوانین مربوط به موارد فوق، برداشت درستی از آنها حاصل نخواهد شد. برای مثال، عمومیت و خصوصیت معنا در روایات که موجب بروز اختلاف ظاهری در میان روایات هم خانواده و مربوط به یک موضوع می‌شود، ضرورت تدوین و اعمال قواعد برای فهم این دسته از روایات و جلوگیری از آسیب‌های بعدی مانند طرد برخی از روایات را آشکار می‌سازد و یا تاریخ مندی برخی از روایات و احکام آمده در آن که به معنای

^۱ ویژگی‌های لفظی آن گروه از ویژگی‌هایی است که به الفاظ و عبارات حدیث برمی‌گردد و دست یابی به معنا و مراد حدیث را دچار مشکل می‌سازد.

^۲ تصحیف: به تغییر قسمتی از سند یا متن حدیث به مشابه آن تصحیف می‌گویند.

^۳ مقصود از لفظ غریب کلمات پیچیده‌ای است که به دلیل قلت، استعمال فهم آن با دشواری همراه است.

^۴ تقطیع حدیث یعنی نقل قسمتی از یک روایت و حذف قسمت‌های دیگر آن.

^۵ ویژگی‌های محتوایی ویژگی‌هایی است که به معنا و محتوای عبارات برگشته و مراد جدی متن را به ابهام می‌کشاند.

^۶ اصطلاح مفاد استعمالی یا معنای ظاهری، به معنایی اطلاق می‌شود که الفاظ در مقام استعمال آن را افاده کرده و ظاهر کلام بر آن دلالت می‌کند و با توجه به مفاهیم عرفی کلمات و قواعد حاکم بر هیئات و ترکیبات و قراین متصل می‌توان به آن دست یافت.

^۷ مراد جدی یا معنای حقیقی و واقعی کلام به معنایی گفته می‌شود که گوینده آن آن را از کلام خویش اراده کرده و مقصود اصلی وی از کلمات بیان شده را تشکیل می‌دهد. خواه با مفاد استعمالی کلام مطابق و خواه بر خلاف آن باشد.

جریان روایت در محدوده زمانی مشخصی است، ضرورت وجود قانون برای فهم این دسته از روایات را به اثبات می‌رساند. بنابراین، برخی از دلایل قانون مندی فهم روایات به همین ویژگی‌هایی است که از درون و بیرون از متن، معنا و مراد آن را به تحریر و ابهام می‌کشاند.

دلایل نقلی

مراد از دلایل نقلی روایات، بیانگر منطق فهم آن است که به طور صریح با بیان قواعد و راهکارهای فهم متن روایات، روش دست‌یابی به معنا و مراد حقیقی آنها و یا به تعبیری «فهم قانون مند» را در اختیار پژوهندگان خویش قرار می‌دهد. منطق فهم که در واقع همان مبانی و قواعد زیربنایی و کارا برای تحصیل فهم صحیح کلام معصومان است، از همان آغاز در رهنمودهای پیامبر اکرم مشهود است. روایاتی در ارتباط با عرضه احادیث بر قرآن یا سنت قطعی که از آن حضرت صادر شده است، همه‌گویای مطرح بودن منطق فهم در آن دوران است (۴). آنچه در ذیل می‌آید نمونه‌ای از روایات بیانگر منطق فهم است که در آن ائمه معصومین علیهم السلام با معرفی روش‌های گوناگون، شیوه صحیح نیل به مقصود احادیث را بیان کرده‌اند.

ارجاع تشابهات به محکومات

تشابه از ریشه «شَبَّه» به معنای همانندی و مساوی بودن دو چیز در امریست (۷). "راغب اصفهانی" می‌نویسد: «المتشابه ما اشکل تفسیره لمشابهته غیره». متشابه به چیزی می‌گویند که تفسیر آن بخاطر همانندیش با غیر، مشکل می‌شود (۸). تشابه از اوصاف، معنایی است که لفظ بر آن دلالت دارد و آن

معنی به گونه‌ای است که قابل انطباق بر مقصود و غیر آن می‌باشد. وجود تشابه در محتوای برخی از روایات که در کنار دلیل نقل، تجربه مفاهیم بلند و متشابه آنها، آن را به اثبات می‌رساند در قالب مبنایی اساسی، فرآیند فهم در متن احادیث را بر اصول ویژه‌ای بنیان نهاده و جهت‌گیری‌های سطحی و عجولانه در قبال روایات اهل بیت علیهم السلام را خواهد گرفت. از سوی دیگر، باورمندی به وجود روایات متشابه، فهم اینگونه از اخبار را بر رجوع به محکومات مبتنی می‌سازد؛ چنانکه در روایت امام رضا علیه السلام به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است (۳).

شیخ صدوق با نقل روایتی از امام رضا علیه السلام که علامه طباطبائی نیز به آن توجه کرده است (۵)، چنین می‌آورد: «حدثنا أبي رضي الله عنه قال: حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن أبي حيون مولى الرضا عليه السلام قال: من رد متشابه القرآن الى محكمة هدى الى صراط مستقيم، ثم قال عليه السلام: ان في اخبارنا متشابهات كمتشابه القرآن و محكما كمحكم القرآن، فردوا متشابهها الى محكمها، ولا تتبعوا متشابهها دون محكمها فضلوا؛ پدرم از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از پدرش و او از ابی حیون از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر که متشابه به قرآن را به محکم آن بازگرداند، به راه راست هدایت شده است. سپس فرمود: همانا که در اخبار ما متشابه هست چنان که در قرآن متشابه هست، و در اخبار ما محکم هست چنان که در قرآن محکم هست، پس تشابهات روایات را به محکومات آنها بازگردانید و از تشابهات آنها بدون محکومات آنها پیروی نکنید که گمراه گردید (۳). در

این میان، روایات طبّی که با بکارگیری الفاظی بعضاً غریب و چندپهلوی راه را بر تفسیرهای مختلف باز می‌گذارند، از این دایره بیرون نبوده و درک و بکارگیری درست آنها مبتنی بر استخدام قوانین فهم از جمله عرضه بر روایات مرتبط محکم خواهد بود. برای مثال، علامه مجلسی در بحار الانوار با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام چنین می‌آورد: «طب الأئمة علیهم السلام عن إبراهيم بن محمد بن فضالة عن إسماعيل بن محمد قال قال جعفر بن محمد عن نهی رسول الله عن الدواء الخبيث أن يتداوى به؛ كتاب طب الأئمة از ابراهیم فرزند محمد و او از اسماعیل فرزند محمد و او از قول امام صادق علیه السلام آورده است که آن حضرت فرمود، پیامبر اکرم از درمان به وسیله داروهای خبیث نهی کرده است». در روایت فوق عبارت «الدواء الخبيث» احتمالات مختلفی را در بر می‌گیرد. چنانکه علامه مجلسی به نقل از "ابن اثیر" در نهایت می‌نویسد: «قال في النهاية في الحديث إنه نهی عن أكل دواء خبيث هو من جهتين إحدهما النجاسة و هو الحرام كالخمر و الأرواث و الأبوال كلها نجسة خبيثة و تناولها حرام إلا ما خصته السنة و الجهة الأخرى من طريق الطعام و المذاق؛ در نهایت می‌نویسد، این که پیامبر اکرم از خوردن داروی خبیث نهی کرده است، از دو جهت قابل تفسیر است: یکی آنکه مراد نجاسات باشد که خوردن آنها حرام است، مانند شراب و مدفوع و بول که همگی نجس و خبیث است و خوردن آنها حرام است؛ مگر آن مواردی که سنت استثنا کرده است، و دیگر آن که مراد داروهای بی‌خطر باشد که به لحاظ ذائقه و طعم قابل تحمل نباشد» (۲).

سؤال دیگری که در ذیل عبارت مذکور مطرح می‌شود، این است که آیا همه خبائث به طور مطلق مشمول حکم مذکور خواهند بود؟ یا آن که مواردی استثناء شده و از دایره حکم خارجند؟ و در این صورت آن مصادیق استثنائی چه چیزهایی هستند؟

پاسخ به ابهامات و سؤالات فوق در پرتو مراجعه به محکّمات دیگری است که به طور مشخص مراد روایت مذکور و مانند آن را آشکار می‌سازد.

عرضه بر مسلمات

روایات عرضه، به آن دسته از روایاتی اطلاق می‌شود که در آن پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام پیروان خویش را به عرضه کلمات خویش بر مسلمات دینی (قرآن و سنت قطعی) و عقلی سفارش کرده و شرط اخذ و اعتماد به احادیث منقول از خویش را انطباق آنها با مسلمات مذکور فوق دانسته‌اند. روایات عرضه که تعداد آنها در منابع روایی کم نیست، با طرح قانون عرضه حدیث بر قرآن، سنت و مسلمات عقلی، از یک سو علاوه بر دلالت بر قانون مندی فهم روایات، وجود معنای نهایی برای متن (حدیث) را به اثبات رسانده و از سوی دیگر راه را بر برداشت‌های ناصحیح از محتوای روایات مسدود می‌سازد^۱ (۹-۱۱). «روایات عرضه» که در ادبیات علوم حدیثی جزء روایات علاجیه^۲ (۱۲) نیز محسوب می‌شود، از اهمیت

^۱ برای نمونه می‌توان به روایات زیر اشاره کرد: «عنه [احمد بن محمد بن خالد البرقی]، عن أبيه، عن علي بن النعمان، عن أبيه بن الحر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كل شيء مردود إلى كتاب الله والسنة، وكل حديث لا يوافق كتاب الله فهو زخرف». در روایت مذکور به غیر از احمد و محمد برقی که هر دو مورد وثوق علمای شیعه هستند ایوب بن الحر و علی بن نعمان نیز توسط شیخ طوسی و نجاشی توثیق شده‌اند. رک: طوسی، رجال، ص ۵۶ و رک: نجاشی، رجال، ص ۲۷۴

^۲ مجموعه‌ای از روایات است که امامان معصوم (ع) آنها را به جهت رفع تعارض و تنافی میان چند روایت بیان کرده‌اند.

روایات به عرف، به معنای آن است که اهل بیت علیهم السلام در تعاملات خویش با مخاطب، از همان شیوه و روشی استفاده کرده‌اند که بین عقلا و عامه مردم رایج است (۱۳)، و این برآمده از نقش تعلیمی و تفسیری پیامبر اکرم و اهل بیت است که در قرآن و روایات بدان توجه داده شده است (۵) و اقتضای آن بکارگیری زبانی است که برای مخاطبین و متعلمین وحی معروف و شناخته شده باشد.

به تعبیر دیگر، مراد از «عرفی بودن زبان روایات» عبارت است از: «بکارگیری سبک، اصول و قواعد شناخته شده زبانی در بیان گزاره‌ها و ویژگی‌های کاربردی زبانی که مخاطبین روایات بدان محاوره و مکاتبه می‌کنند». اصطلاح زبان عرفی یا عرفی بودن زبان در تقابل با گونه‌های دیگر زبانی، همانند «زبان تمثیلی محض، زبان نمادین محض، زبان اسطوره‌ای محض، زبان اخلاقی محض و توصیه‌ای، زبان پرستش محض، زبان تأویل و رمز محض، زبان تلفیقی، زبان خاص و زبان چند ساحتی» (۱۴) است که در حوزه مباحث تحلیل زبانی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، استفاده روایات از مجاز، کنایه در تفهیم مطالب خویش به مخاطبان، حکایت از زبان عرفی داشتن آنها دارد؛ زیرا این صناعات ادبی در محاورات عرف عقلا شایع بوده و کلام را زیبا و دلنشین می‌سازد (۱۵).

بکارگیری لغات، اسامی بیماری‌ها و داروهای مختلف و اصطلاحات طبی رایج در میان عرف مردم توسط پیامبر اکرم و اهل بیت صلوات الله علیهم بهترین گواه بر تعامل مذکور از سوی آن بزرگواران است. برای نمونه، در جایی پیامبر اکرم صلی الله علیه

ویژه‌ای برخوردار است و در موقعیت تساوی بین دو یا چند روایت، با ارائه قانون عرضه روایات متساوی بر مسلمات، مخاطب را از تحیر خارج می‌سازد. به ویژه آن که در روایات طبی پدیده‌هایی چون «نقل به معنایی، جعل و صدور دستور العمل طبی خاص بر اساس وضعیت مزاجی و یا موقعیت جغرافیایی خاص» درستی و عمومیت این دسته از روایات را به جد دچار ابهام می‌سازد. لذا، فرض است تا با عرضه این دسته از روایات بر مسلمات عقلی و نقلی، راه برون رفت از آسیب‌های پیش رو به دقت تعریف و تبیین شود، برای مثال، در موضوع «شرب خمر برای درمان بیماری» در روایتی که "محمد ابن عذافر" از پدرش و او از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند، امام در جواب سؤال راوی، مصرف آن به اندازه درمان بیماری را مجاز می‌شمارد. اما در روایت دیگری که از قول امام کاظم و امام صادق علیهما السلام نقل شده، مصرف آن ولو به اندازه یک قطره هم نهی شده است. بنابراین، در چنین مواردی چاره‌ای جز رجوع به مسلمات دیگر اعم از آیات و روایات مسلم دیگر باقی نمی‌ماند که این همان مدلول روایات عرضه است (۲).

بهره‌گیری از قوانین عرف

بهره‌گیری از قوانین عرف در فهم روایات و از جمله روایات طبی، بر خاسته از این اصل مسلم است که زبان روایات را زبان عرف دانسته و هر گونه فهم آنها را براساس اصول و قوانین رایج در عرف، عقلا می‌داند. مراد از قوانین عرف، اموری (قواعد و شیوه‌هایی) است که عقلا در تعاملات متداول خود مورد توجه قرار می‌دهند. انتساب متنی خاص مانند

و اله در مقام بیان خاصیت بالای سیاه دانه واژه «سام» را به کار می‌برند. وقتی واژه مذکور برای مخاطبان نامفهوم است، پیامبر اکرم آن را برای جمع حاضر با توجه به سطح فهم مخاطبان به «مرگ» معنی می‌کنند (۲).

ارجاع به افراد خاص

دستیابی به معارف ناب دین بدون آمیختگی به اغراض و اوهام شخصی، که پیام بارز و ارزشمند این دسته از روایات است، حکایت از وجود همان معنای واقعی‌ای دارد که آگاهان کامل به حقایق شریعت آن را در قالب الفاظ و عبارات متن به ظهور و بروز رسانده‌اند. دو روایت ذیل که نمونه‌ای از احادیث مذکور است، گزارش و تفسیر درست از شرع و منابع آن را بر عهده افراد خاصی می‌داند که در عین امانت داری نسبت به معارف دین، فهم و تفسیر درست آنان مورد تأیید و توجه عالمان حقیقی و صاحبان اصلی شریعت می‌باشد. بررسی شخصیت علمی و معنوی افراد نامبرده شده، گواه این حقیقت است که آنان با درایتی قابل توصیف، زلال شریعت را از سرچشمه‌های پاک آن دریافت کرده و با تعمق در متن دین به دور از هر گونه پیش فهمی، به تفسیر گزاره‌های شریعت می‌پرداخته‌اند.

عن علی بن المسیب الهمدانی قال: قلت للرضا علیه السلام: شُتِّتِ بَعِيدَهُ، وَلَسْتُ أَصِلُ الْيَكُ فِي كُلِّ وَقْتٍ، فَمَمَّنْ أَخَذَ مَعَالِمَ دِينِي؟ قال: من زكريا ابن آدم القمي المامون على الدين و الدنيا؛ علي بن مسيب همداني گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: دیار من دور است و در هر زمانی نمی‌توانم به خدمت شما برسم، پس دستورات دینم را از چه کسی فراگیرم؟ فرمود: از زکریا بن آدم قمی که بر دین و

دنیا مورد اطمینان است. عن جميل بن دراج قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: بشر المخبيين بالجنة، برید بن معاویه العجلی، و ابوبصیر لیث البختری المرادی، و محمد بن مسلم الثقفی، و زرارہ بن اعین، اربعه اماناء الله علی حلاله و حرامه، لولا هولاء لقطعتم اثار النبوه و اندرست؛ جميل ابن دراج گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: بشارت بده خشوع کنندگان در مقابل خدا را به بهشت، برید بن معاویه عجللی، و ابوبصیر لیث البختری المرادی، و محمد بن مسلم ثقفی، و زرارہ بن اعین، چهار نجیب، امینان خدا بر حلال و حرامش، اگر آنان نبودند آثار نبوت قطع می‌گردید و کهنه می‌شد (۱۶).

بیان استدلال

مؤلفه‌های زیر در روایت "مسیب همدانی"، مواردی است که ترکیب آنان با یکدیگر، ضرورت روشمندی فهم در روایات اهل بیت علیهم السلام را به اثبات می‌رساند:

۱- عبارت «شُتِّتِ بَعِيدَهُ وَلَسْتُ اصِلُ الْيَكُ فَمَمَّنْ أَخَذَ مَعَالِمَ دِينِي» بیانگر عدم دسترسی سائل به ائمه (معلمان و مفسران حقیقی دین) علیهم السلام و سخنان آن بزرگواران به عنوان متن دین است.

۲- تصمیم به دستیابی به فهم درست مراد جدی مؤلف و تفسیر آن، یعنی احادیث اهل بیت نشان دهنده فرار شخص از ورطه کج فهمی و تفسیرهای ناهمگون و نادرست است.

۳- معرفی شخص خاص با ویژگی مهم امانت داری در فهم و تفسیر متون و منابع دین بیانگر وجود معنای مطابق با واقع شریعت در ورای الفاظ و کلمات دین است که امانت داری این افراد در انتقال صحیح و کامل آن معانی به مخاطبان خواهد

بود. نکته حائز اهمیت آن است که برخلاف تصور طرفداران هرمنوتیک فلسفی که نقش مفسر را در سازندگی معنا می‌دانند، از نگاه روایات مفسر در پی انتقال معنای واقعی یک متن به دیگران است نه سازندگی آن و واژگانی مانند «المأمون» یا «امنا الله» حکایت از این واقعیت دارد.

۴- معرفی افرادی خاص برای فهم و تفسیر دین نشان از وجود ساز و کار و روش خاصی برای این امر دارد که تنها در اختیار عده‌ای مخصوص است. عده‌ای که با تسلط بر روش فهم متون مقدس دینی بدون گرفتاری در چنبره ذهنیت‌های از پیش ساخته، حاق واقع را آنچنان که می‌بینند گزارش می‌نمایند. فراز بلند آخر در روایت دوم یعنی «لولا هؤلاء انقطع آثار النبوه واندرست» با بکارگیری کلمه «آثار» خبر از فرجام تلخ و ناخوشایند عدم انتقال صحیح و مطابق با واقعیت آثار نبوت و اندراس آن می‌دهد که به قطع تفسیر غیر روشمند و براساس پیش فهم‌های شخصی بدون توجه به مراد متکلم و معنای واقعی متن روایات یکی از مصادیق بارز انقطاع و اندراس آثار نبوت خواهد بود.

نتیجه گیری

لازمه نیل به فهم صحیح معانی و مقاصد روایات، بکارگیری قوانین و ضوابطی مشخص، علاوه بر ضوابط کلی فهم کلام بشری است که از آن به قانون مندی فهم روایات تعبیر می‌شود. اصل «قانون مندی

فهم» به معنای حاکمیت ضوابط و نظام مشخص بر فرآیند فهم متن است که عمل فهم در پرتو قواعد تعریف شده موجود در آن نظام صورت پذیرفته و معنا و مراد صحیح کلام را به مخاطب منتقل می‌سازد. در این میان، متن قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام از این قاعده مستثنی نیست، بلکه به خاطر ویژگی‌های منحصر به فردی همانند وحیانی بودن، فهم معانی و مقاصد آن بر اساس ضوابط ضرورت مضاعف می‌یابد.

علاوه بر بکارگیری قوانین عرف در فهم آیات و روایات توسط اهل بیت علیهم السلام که خود دلیلی محکم بر قانونمندی فهم روایات است، دلایل اثبات قانونمندی فهم روایات را باید از یک سو در ویژگی‌های درونی و بیرونی نفس روایات اعم از «وجود مراتب مختلف معنایی»، «تشابه»، «اطلاق» و دیگر خصوصیات مانند آن جستجو کرد، و از سوی دیگر به دلایل نقلی یعنی روایاتی برگرداند که به صراحت قانون مندی فهم در این دسته از متون دینی را مورد تأیید قرار می‌دهد. روایات بیانگر منطق فهم که شامل روایات دال بر «عرضه متشابهات بر محکمت» و «عرضه روایات رسیده از معصومین بر آیات و سنت قطعی» می‌شود، از جمله دلایل نقلی مذکور است. بنابراین، مبنای «قانونمندی فهم روایات» پیش نیاز ورود به عرصه فهم روایات تفسیری بوده و هر گونه عمل فهمی در ارتباط با آن، مبتنی بر پذیرش مبنای فوق است.

منابع

1. Mesbah Yazdi M. Logic understanding of the quran. Qabasat 2000; 5(18): 27-35[Article in Persian].

2. Majlesi M. Bahar al-anvar. Tehran: Elsamiyeh; 1984: 87-184[Book in Arabic].
3. Ebne Babevei M. Oyoum akhbar Al-Ridha. Beyroot: A'alami; 1983: 261[Book in Arabic].
4. Koleini M. Usul al-kafi. Tehran: Eslami; 1968: 63-246[Book in Arabic].
5. Tabatabai M. Al-mizan fi tafsire al quran. Ghom: Seminary; 1996: 72-101[Book in Arabic].
6. Modir Shanechi K. Elm al-hadis va derayat al-hadis. Ghom: Seminary; 1927: 54-128[Book in Arabic].
7. Tarihi F. Maj'ma al-bahrayn. Tehran: Mortazaviye; 1996: 85[Book in Arabic].
8. Esfahani R. Mofradat alfaze al-quran. Damascus; Dar Ol-Ghalam va Dar Ol-Elm; 1995: 443[Book in Arabic].
9. Barghi AMKH. Al-mah'asen. Qom: Daralkotob Eslamiye; 220[Book in Arabic].
10. Tousi M. Rejal al-tousi. Ghom: Eslami; 1994: 56[Book in Arabic].
11. Najashi A. Rejal al-najashi. Ghom: Eslami; 1986: 274[Book in Arabic].
12. Seyed Javadi SAS, Fani K, Khoramshahi B & Sajadi SA. Da'erat ol ma'arefe tashayyo. Tehran: Martyr Mohebbi Saeed; 2007: 141[Book in Persian].
13. Ghomi A. Tafsire ghomi. Ghom: Dar Ol-Ketab; 1983: 380[Book in Arabic].
14. Sajedi A. Language of religion and the quran. Ghom; 2006: 21-399[Book in Persian].
15. Khoei A. Al-bayan fi tafsire quran. Beyroot: Daro Zahra; 1975: 263-399[Book in Arabic].
16. Amoli M. Vasa'el al-shi'a. Beyroot: Al-Arabi: 103-6[Book in Arabic].

Introduction to Understanding the Methodology of Medical Traditions

Iesazadeh Nikzad¹ (Ph.D) - Salimi Reza² (MSc.)
Esfahani Mohammad Mahdi³ (Ph.D)

1 Assistant Professor, Quran & Hadith & Medicine Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2 Ph.D Student of Islamic History of Iran, School of Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

3 Professor, Quran & Hadith & Medicine Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Received : Jan 2016
Accepted : May 2016

Background and Aim: Requisite to achieve a correct understanding of the meaning and purpose traditions In addition to the general regulations of understanding human speech, the application of certain rules and regulations "Methodology of understand traditions" can be interpreted. The Principle of methodology of understand those traditions at odds with the theory (philosophical hermeneutics) who believe that the text should not be understood to mean the process of achieving text through the systematic understand. But, the interpreter has always been faced with a prior grasp with text and following the disclosure of the before understanding had about the text.

Materials and Methods: This was a review study that induced by library texts and search engines in order to identify and analysis of the related different references.

Results: Refer readers to specific individuals by the Ahl al-Bayt to achieve the correct meaning and intent and lawful of traditions the best evidence of systematic understanding of the traditions and the traditions of medicine.

Conclusion: Proof the above principle as the basis to understand the traditions must have a hand in self- traditions, both internal and external characteristics including "there are different levels of meaning", "similarity", "manuscripts", "application" and other characteristics have to searched. On the other hand, return to the traditional reasons that to explicitly methodology of understand of these religious texts were approved. Traditions indicating the logic of understanding that is includes traditions such as "supply of mutashabihat on the mhkmat", "supply of traditions on the verses and certain of traditions". The narrative implies the use of Ahl al-Bayt from the principles of common sense is the some of these reasons.

Key words: Traditions of Medicine, Understanding, Methodology

* Corresponding Author:
Iesazadeh N;
E-mail:
N/iesazadeh@tums.ac.ir